

Novel Studies of Law and Environment

ORIGINAL ARTICLE

The sustainable approach of Iran's fundamental rights to the environment among the development models

Mojtaba Ansarian¹, Reza KhodabandehLouei²

1- PhD in Public International Law, Faculty of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Email:

M_Ansarian@pnu.ac.ir

2- PhD candidate in international law, Savitibai Phule Pune university (Modern Law collage)

Email:

r.khodabandelouei@gmail.com

Abstract

Background and purpose: In the conditions of globalization, developing countries that seek to attract foreign investment, are forced to create an anchorage of pollution and destruction for economic development in front of foreign investors, and by neglecting environmental issues, development They prioritize the economy. While if they want to move forward in the direction of all-round economic development, they should consider sustainable development because this model of development is all-round, forward-looking, complete, and morally oriented. **Research method:** In this article, the Islamic Republic of Iran's Constitution was investigated with an analytical and descriptive approach and with the collection method in the form of library studies. Also about which one has priority; Economic development or environmental development, which is actually sustainable development, and which one is considered by the legislator, was discussed and investigated. **Findings:** There are various approaches to development, each of which has its own theoretical and scientific advocates. But what is desired by most thinkers and creators of modernization and development is sustainable development with an intensified look at the environment. **Conclusion:** The rights approach, unlike other economic and political insights and approaches to economic development, is in sync with the environmental rights approach. This means that economic development can only be successful in the direction of sustainable development and reach its destination.

keywords

Sustainable development, economic development, environmental development, foreign investment, environment.

«مطالعات نوین حقوق و محیط‌زیست»

«مقاله پژوهشی» رویکرد پایدار حقوق اساسی ایران بر محیط‌زیست از میان مدل‌های توسعه

مجتبی انصاریان^۱-رضا خدابنده لویی^۲

چکیده

زمینه و هدف: در شرایط جهانی شدن کشورهای درحال توسعه که به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند، ناچار به توسعه اقتصادی در مقابل سرمایه‌گذاران خارجی تن به ایجاد لنگرگاهی از آلودگی و تخریب می‌دهند و با اغماض از مسائل زیست‌محیطی، توسعه اقتصادی را اولویت قرار می‌دهند. درحالی‌که اگر بخواهند در راستای توسعه همه‌جانبه اقتصادی هم پیش روند باید توسعه پایدار را مدنظر قرار دهند زیرا این مدل از توسعه، همه جانبه، آینده‌نگر و کامل و اخلاق‌محور است. روش بررسی: در این مقاله با رویکرد تحلیلی و توصیفی و با روش جمع‌آوری به صورت مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد. همچنین در مورد اینکه کدام از اولویت برخوردار است؛ توسعه اقتصادی یا توسعه زیست‌محیطی که در واقع همان توسعه پایدار است و کدام یک مدنظر قانونگذار قرار گرفته، بحث و بررسی گردید. یافته‌ها: رویکردها و رهیافت‌های گوناگونی به توسعه وجود دارد که هر کدام از مدافعان نظری و علمی خاص خود برخوردارند. اما آن چیزی که مورد نظر اکثر اندیشمندان و مبدعان نوگرایی و توسعه قرار گرفته است توسعه پایدار با تشدید نگاه به محیط‌زیست است. نتیجه‌گیری: رویکرد حقوق برخلاف سایر بینش‌ها و رویکردهای اقتصادی و سیاسی به توسعه اقتصادی همگام به رهیافت حقوق محیط‌زیست است. بدین معنی که توسعه اقتصادی تنها در جهت توسعه پایدار می‌تواند کامروا باشد و به سرمنزل مقصود رسد.

کلیدواژه‌ها

توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، توسعه زیست محیطی، سرمایه‌گذاری خارجی، محیط‌زیست.

۱- (نویسنده مسئول) دکتری حقوق بین الملل عمومی، گروه علمی حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

ایمیل:

M_Ansarian@pnu.ac.ir

۲- کاندیدای دکتری حقوق بین‌الملل. دانشگاه سوئیتربی پول پونه پونا (مدرن لاو کالج)

ایمیل:

r.khodabandelouei@gmail.com

مقدمه

کشورهای در حال توسعه نیازمند جذب سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود سرمایه و بالا رفتن رفاه، امنیت، توسعه اقتصادی و شکوفایی خود هستند. همین ضرورت باعث شده است که تلاش مبرم و شتابانی را برای جلب مشارکت‌ها و سرمایه‌های خارجی داشته باشند. در این میان اصلاح حقوقی و سیاست‌گذاری‌های حقوقی خاص با هدف جذب سرمایه را در دست کار خود دارند تا موانع حقوقی را از مسیر این هدف بردارند و البته سرمایه‌گذاران خارجی هم برای ورود سرمایه خود به این مواضع حقوقی و موانع حقوقی در محل هدف توجه جدی دارند. اولین قانون مورد مطالعه از منظر حقوقی جهت ورود سرمایه برای سرمایه‌گذاری، قانون مادر و اساسی و مواضع آن در این باب می‌باشد. در این مقاله با رویکرد تحلیلی و توصیفی و مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌ها بعد پرداختن به اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی و اهمیت قانون اساسی در سرمایه‌گذاری خارجی به بررسی اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی و نهایتاً مواضع و موانع حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در قانون اساسی پرداخته، سپس مواضع و موانع حقوقی محیط‌زیستی با تاکید بر قانون اساسی دیده شد و به تفسیر اصل ۵۰ قانون اساسی پرداخته و در مورد تهدید یا فرصت بودن آن بحث گردید. سپس به تقدم و اولویت و ارتباط توسعه اقتصادی و یا توصیه زیست‌محیطی پرداخته شد. در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی ارائه گردید. حرکت به سوی توسعه پایدار و اولویت‌دادن توسعه پایدار یکی از نتایج این مقاله بود. اهمیت این موضوع از این باب است که دیدگاه و مواضع توسعه زیست محیطی، نسبت به توسعه اقتصادی در قانون اساسی به‌خوبی دیده شده است و با عنایت به اینکه توسعه اقتصادی مانند خیلی کشورها بایست ملاک عمل قرار می‌گرفت اما توسعه زیست محیطی در اولویت قرار گرفته و از این باب این موضوع مانند کشورهای توسعه‌یافته موضعی قابل تأمل و خاص است.

۱. اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی هم عبارت است از به‌کارگیری سرمایه خارجی در فعالیت‌هایی که با خطرپذیری برگشت سرمایه و منافع آن به‌عهده سرمایه‌گذار باشد و سرمایه‌گذاران به‌دنبال کسب سود بیشتر و مکانی امن برای سرمایه‌گذاری هستند. چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و اقتصادی در حال گذار تضمین شده و بستر قانونی لازم فراهم شود سرمایه‌گذاران بین‌المللی میل و رغبت بیشتری برای حضور در این گونه بازارها خواهند داشت. (دارینی، ۱۳۹۰) یکی از جنبه‌های تجارت جهانی سرمایه‌گذاری خارجی است: تجارت فرآیند کوتاه‌مدت است که در زمانی کوتاه محقق می‌شود در حالی که سرمایه‌گذاری روندی درازمدت می‌طلبد. (Unctad, 1996) سرمایه‌گذاری خارجی موجب رشد تجارت خارجی می‌شود و بنابراین تجارت و سرمایه‌گذاری می‌توانند به رشد و توسعه یک کشور کمک کنند. (Simon, 2008, 633) سرمایه‌گذاری خارجی و جذب آن می‌تواند موانع سد راه تجارت را کاهش دهد و سازمان تجارت جهانی به‌دنبال تجارت آزاد است و تجارت با سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط تنگاتنگ دارد و سرمایه‌گذاری به‌سان ابزاری برای رفع موانع تجاری بر گردش تجارت آزاد می‌تواند موثر باشد و اینجا ضرورت سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر حس می‌شود. «حذف موانع تجاری سرمایه‌گذاری می‌تواند باعث افزایش میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان شود». (Vocks, 1997, 27) خیلی از کشورهای استعمار شده و جهان سومی به‌خاطر تجربه‌های قدیمی تلخ در تاریخ خود از سرمایه‌گذاران خارجی نگران و گریزان بوده‌اند، زیرا این سرمایه‌گذاران را ورود جدید نوعی از استعمار نوین در چهره‌ای جدید در قالب جذب سرمایه و شرکت‌های فراملیتی می‌دیدند. این دیدگاه خاص تبعات خاصی هم در این جوامع به‌همراه داشت از آن جمله اینکه باور و ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاری و سرمایه خارجی همواره القاء‌کننده یک تصور و احساس غلط با کمترین تعقل نسبت به خطرات آن است. این ذهنیت به‌ویژه در کشورهای جهان سوم به نوعی تحت تاثیر تفکر و اندیشه افرادی است که به‌طور کلی اقتصاد دولتی را به اقتصاد آزاد ترجیح می‌دهند و دومین مانع برخاسته از اولین مانع است تصویب قوانین و مقرراتی که تا آنجا که ممکن است مسیر سرمایه‌گذاری و میل و انگیزه نسبت به آن را دشوار و ضعیف می‌نماید. (دارینی، ۱۳۹۰). اما نیاز مبرم به سرمایه‌گذاران خارجی برای توسعه و رفاه و ثروت با گذر زمان و تغییر مناسبات جدید زمانی و مکانی بیشتر از سوی این کشورها حس گردید و آنان با وجود بدبینی و نگرانی

محدودیت‌ها را پشت سر گذاشتند و با اصلاحات و رفع موانع و تغییر در نگاه و دیدگاه خود در قالب موافقتنامه‌ها و نهایتاً ورود و الحاق به سازمان تجارت جهانی این بدبینی را پشت سر گذاشتند و ره‌آورد آن جذب سرمایه‌گذاری بیشتر و توسعه و حرکت برای ایشان گردید و سرمایه‌گذاری خارجی را در اولویت امورات خود قرار دادند و برای جذب بیشتر آن تلاش کردند. چرا که توسعه و رفاه و ثروت و حرکت را ایجاد می‌نماید.

کشورهای درحال توسعه همیشه بایست به‌دنبال افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشند و حال روند روبه‌رشد سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها قابل‌تأمل است. «با توجه به الزامات اقتصاد سیاسی و ریسک بالای استفاده از منابع داخلی، عموماً گرایش و میل دولت‌ها به جذب سرمایه‌های خارجی است.» (پورسید، ۱۳۸۲؛ ۵) به‌طوری که حجم سرمایه‌گذاری خارجی از ۵۳.۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۴.۱ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ منجر شد. (Brooks, 2003, 1) در سال ۲۰۱۶ مبلغ ۶۷۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصادهای درحال‌توسعه گزارش شده است. (Unctad, 2018) که همه این آمارها و مطالب مطروحه فوق و تغییرات در حوزه این کشورها نشان از اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی دارد چرا که کشورهای پیشرفته سال‌هاست که این مسائل را پشت سر گذاشتند و این توجه به سرمایه‌گذاری در تولید ثروت و توسعه و رشد آن‌ها مهم بوده است.

سرمایه‌گذاری خارجی متضمن انتقال دارایی مادی و غیرمادی از کشوری به کشور دیگر به‌منظور تولید ثروت است. (شیروی، ۱۳۹۵، ۴۴۰) که همین تعریف انتقال و تولید ثروت اهمیت آن را متجلی می‌نماید. سرمایه‌گذاری خارجی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود: الف) "سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی" و ب) "سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی" (پورتغلیو). در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سرمایه‌گذار به‌دنبال کنترل و مدیریت سرمایه نیست، بلکه به‌دنبال سود و منفعت است. (به نقل از شیروی، ۱۳۹۵، ۴۴۰، Sorrarajah, 2004) ولی در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم کسب سود در اولویت است و سرمایه‌گذار به‌دنبال اداره و کنترل شرکت موردنظر نیست. (Vita and Kevin, 2004، به نقل از شیروی، ۱۳۹۵، ۴۴۱) در سرمایه‌گذاری مستقیم سرمایه‌گذار سود و منفعت بلندمدت خود را در نظر می‌گیرد. با مدیریت و اعمال کنترل می‌تواند حاصل شود. گاهی شرکت خارجی به‌جای عرضه کالا به مشتریان محصولات تولیدی خود را صادر می‌نماید و بدین‌ترتیب سرمایه‌گذاری مکمل تجارت یا صادرات تلقی می‌شود (Yann Duval, 2010) سرمایه‌گذار خارجی باعث رشد تجاری و رشد و توسعه کشور می‌باشد چه با جانشینی و زدن شعبه‌ها و چه با مکمل‌بودن و صادرات به‌جای عرضه و دولت سرمایه‌گذاران خارجی را با وعده معافیت از اجرای بعضی قوانین گمرکی مالیاتی خود برای یک دوره معین جذب می‌نماید. (فلدرن، ۱۱۲) جذب سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم یا غیرمستقیم) همواره به‌عنوان یکی از اولویت‌های اقتصادی دولت‌ها (به‌خصوص دولت‌های درحال‌توسعه و کمتر توسعه‌یافته برای ایجاد، توسعه و بهسازی زیرساخت‌های کشور محسوب می‌شود و در این راستا تمامی دولت‌ها برآنند با تسهیل قوانین و مقررات خود در بخش‌های مختلف اداری، گمرکی، تولیدی، قوانین مربوط به کار، مالیات و ... زمینه تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را در کشور خود فراهم آورند. (پیران، ۱۳۸۹، ۱۱).

مشکل کمبود سرمایه در کشورهای درحال‌توسعه آن‌قدر ژرف است که سرمایه‌های خصوصی قادر به رفع این معضل نیستند. (عباسلو و نژندی منش، ۱۳۹۲) اغلب در کشورهای درحال‌توسعه برای رونق‌دهی به اوضاع اقتصادی، ایجاد اشتغال و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار با مشکل کمبود منابع سرمایه‌گذاری روبرو هستند. کمبود سرمایه در مباحث اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی مطرح شده است. سرمایه می‌تواند بخش تولید را تحرک ببخشد و با افزایش تولید، موجب تجارت، بهبود سطح زندگی مردم و رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. دستیابی به توسعه پایدار، نیازمند سرمایه‌گذاران برای بهره‌جویی از مزیت‌های نسبی و توانایی‌های بالقوه اقتصادی است. سرمایه‌گذاری خارجی روندی بلندمرتبه‌تر و به‌روزتر از تجارت دارد و ریسک کمتر نسبت به تجارت و صادرات دارد که این ارتباط تنگاتنگ تجارت و سرمایه در سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های جمعی مانند تریمز از این رهگذر حاصل گردیده است. یکی از موافقتنامه‌های زیربنایی سازمان تجارت جهانی موافقتنامه ضوابط تجاری مرتبط با سرمایه‌گذاری است که بر آن است که همسو با اصول حاکم بر سازمان و ضمن توسعه تجارت جهانی رفتار دولت‌ها با سرمایه‌گذار

خارجی را به‌نظم درآورد و موجب تسهیل جذب و اثرگذاری سرمایه‌های خارجی می‌شود (حبیب‌زاده و بصیری جم، ۱۳۹۴، ۷) هدف از این موافقتنامه سهیل امر سرمایه‌گذاری بین‌المللی از طریق رفع اقدامات تبعیض‌آمیز در امر تجارت و همچنین قاعده‌مند کردن رفتار دولت‌ها با سرمایه‌گذاران خارجی است" (حبیب زاده و بصیری جم، ۱۳۹۴، ۱۲ به نقل از، ۸۱۸، Mosoti، 2003) اما با نیاز و ضرورت و بررسی اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی مخصوصاً در کشورهای جهان سوم توجه به قوانین داخلی آن‌ها نباید از توجه دور باشد چراکه گاهی همین قوانین داخلی مانع جدی سرمایه‌گذاران در ورود به این کشورها است. اما در عرصه نظام حقوقی داخلی و افزایش رغبت در سرمایه‌گذاران خارجی توجه به قانون اساسی از مسائل حائز اهمیت است و اهمیت قانون اساسی کشورها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی از بدیهیات می‌باشد. تمامی قوانین از قانون اساسی منشعب می‌گردد و هر قدر آن موانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی موجود نباشد و رویکرد آن قانون بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشد که این روند تشویقی و ایجاد رغبت در سرمایه‌گذاران خارجی را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در خیلی از اصول قانون اساسی کشورها می‌توان مشاهده و استنتاج نمود. مشاهده این روند در کاری تطبیقی در کشورهای متفاوت و متمایز در حوزه قانون اساسی آن‌ها و روند جذب سرمایه‌گذاری و رشد این واقعیت را در آن‌ها برایمان ملموس‌تر خواهد نمود. ردپای قانون اساسی در تمامی قوانین حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ایران و هر کشوری مشاهده می‌شود و مسلم یکی از نقاط قوت و ضعف در هر حوزه‌ای نقاط قوت و ضعف در قانون اساسی آن کشور می‌باشد که به سایر قوانین داخلی منشعب گسترش و اشاعه یافته و تاثیرگذار است

۲. اهمیت قانون اساسی در سرمایه‌گذاری خارجی و اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی

قانون اساسی در واقع سند برتر و عالی حقوقی در هر کشور می‌باشد و اصول و ساختارها و سلسله مراتب قدرت و جایگاه‌های قدرت و رابطه این جایگاه‌ها با مردم و تحدید و حدود آزادی و ارکان اقتدارات و مسئولیت‌های قوا و اصول حاکم بر سیاست‌های کلان و برنامه‌ها و چارچوب‌ها و هنجارها و بایدها و نبایدها در آن طرح می‌شود.

قانون اساسی به‌مثابه قانون مرجع و مادر همه قوانین آن کشور است و تنظیم‌کننده سایر قوانین داخلی است که تمامی قوانین زیرمجموعه و نشأت گرفته از قانون اساسی است. به همین جهت این قانون به نوعی تنظیم‌کننده سایر قوانین بوده و عدم‌مغایرت سایر قوانین داخلی با آن الزامات می‌باشد و همین نکته اشاره بر اهمیت این ساخته ذهن بشر دارد، ساخته‌ای که مسلماً کمال ندارد و با بررسی آثار اجرا در گذر زمان می‌توان نیاز به تغییر و تکمیل و اصلاح را مانند تمامی قوانین ساخته بشر مشاهده کرد.

مقدس‌انگاری قوانین ساخته دست بشر، مانع پویا نمودن قوانین عادی داخلی بوده و مانع اصلاح و بازنگری آن و هیچ کشور و جامعه‌ای را نمی‌توان فاقد این قانون (قانون اساسی) یافت. قانون اساسی بر همه قوانین حوزه سرمایه‌گذاری موثر است مانند همه حوزه‌ها که بر آن‌ها تاثیر جدی دارند. یعنی هر قانونی را بررسی کنیم نهایتاً به مواضع جدی قانون اساسی می‌رسیم و به منشا وضع قوانین زیرشاخه آن. بنابراین بررسی مواضع و موانع این قانون مادر ما را به درک بهتر موانع سرمایه‌گذاری و تاثیرات قانون اساسی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی رهنمون می‌شود.

اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش سطح تولید و درآمد و به‌تبع آن رفاه و اشتغال و زدودن فقر و بیکاری می‌شود و قطعاً نقش تعیین‌کننده در شاخص‌های اقتصادی و رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی یکی از جنبه‌های توسعه خواهد داشت. البته برنامه‌ریزی درست و کاربردی در استفاده از منابع جهت تحرک تولید بسیار مهم است.

۳. بررسی حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در قانون اساسی ایران مواضع و موانع

مواضع مطروحه سرمایه‌گذاری خارجی در قانون اساسی ایران به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در اصول مختلفی طرح گردیده است که پاره‌ای از این موارد در مبحث گذشته اشارتی چند شد که در ادامه و تفصیل به موارد زیر بررسی شد: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمستان ۱۳۵۷ هجری شمسی مطرح شد و در سال ۱۳۵۸ و در همه‌پرسی برای مثبت اکثر نفرات شرکت‌کننده قرار گرفت و در سال ۱۳۶۸ شمسی اصلاحات آن هم به تصویب عمومی شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی اصلاح

قانون اساسی رسید و شامل مقدمه و ۱۴ فصل می‌باشد. اصول ذیل مستقیم و غیرمستقیم به نوعی به مباحث سرمایه‌گذاری مرتبط می‌باشد. اصول ۴۴ و ۸۱ و ۷۷ دارای ارتباط مستقیم و سایر اصول مطروحه دارای ارتباط غیرمستقیم با سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

اصل ۴۴ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش خصوصی دولتی و تعاونی با برنامه‌ریزی‌های زیر محکم و استوار می‌باشد. بخش دولتی شامل کلیه صنایع مادر و بزرگ و اساسی و بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بیمه، بانکداری، تامین نیرو، سدها، شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست، تلگراف و تلفن، کشتیرانی، راه‌آهن، هواپیمایی و غیره که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت می‌باشد و بخش تعاونی شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع می‌باشد. در شهرها و روستاها که با ضوابط اسلامی شکل گرفته‌اند و بخش خصوصی در واقع قسمت مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی در عرصه‌های کشاورزی، دامداری، صنعتی و تجارت، مالکیت هر سه بخش فوق تا جایی که با سایر اصول این فصل قانون اساسی مطابق باشد و از محدوده اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نباشد مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و ضوابط و شرایط و قلمرو هر بخش را قانون معین می‌نماید.

طبق این اصل سرمایه‌گذار خارجی اجازه فعالیت در محدوده بخش دولتی را ندارد و ملاحظه می‌کنیم دولت خیلی عظیم و بزرگ می‌باشد و اقتصاد اعظم کشور را در دست دارد. به همین جهت این است دامنه فعالیت‌های اقتصادی و انحصار آن‌ها را برای سرمایه‌گذار خارجی روشن می‌نماید که تا کجا شعاع و حوزه سرمایه‌گذاری دارد در جذب سرمایه‌گذاران خارجی و تعیین حوزه آن‌ها بسیار حائز اهمیت است.

در اصل ۸۱، دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است. در این اصل ریسک بالای سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی مشهود است و به‌صورت آشکار از خارجی‌ان و سرمایه‌گذاری خارجی صحبت می‌شود و در اصل تمایز و تبعیض جدی نسبت به خارجی‌ان و سرمایه‌گذاران خارجی و احتراز و دوری از آن‌ها به چشم می‌خورد.

در اصل ۷۷، وقوع عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده است. پس عقد قراردادهای مختلف را در شکل‌های مختلف آن‌ها منوط به تأیید و تصویب نمایندگان منتخب مردم نموده است و سرمایه‌گذار خارجی در واقع در برابر نمایندگان منتخب مردم در نهادهای قوه قانون‌گذاری مقننه در مجلس قرار می‌گیرد و او در مقابل یک کل قرار می‌گیرد.

در اصل ۲، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری که اشاره به قاعده نفی سبیل اسلام و نفی هرگونه سلطه‌گری کافر بر مسلمان دارد که تفسیر این مسئله و تفسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در واقع منشا وضع خیلی قوانین در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی است و در اصل دو بند پایانی استقلال اقتصادی و در اصل سه در بند ۵ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب طرح می‌شود که شاید باتوجه به سابقه تاریخی استعمار در ایران و همانندنگاری سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های آن‌ها به‌عنوان مصادیق و تداعی‌کننده استعمار نوین در محل‌های تفسیر این قوانین جذب سرمایه‌گذاری خارجی را کند نماید.

اصل ۳ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و بالابردن آگاهی‌های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و غیره و تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و تامین حقوق همه‌جانبه افراد زن و مرد، ایجاد امنیت غذایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را طرح نموده است که مبارزه با مظاهر فساد و تفسیر آن از لحاظ اسلامی مورد تأمل سرمایه‌گذاران خارجی است.

اصل ۱۲ و ۱۳ القاء‌کننده تمایزهای اقلیتی است و زرتشتی، یهودی و مسیحی در ردیف اقلیت‌های دینی طرح شده و مذاهب دیگر اسلامی حنفی، شافعی و مالکی و حنبلی و زیدی دارای احترام کامل قید گردیده است که مسلم عدم احترام به سایر اقلیت‌ها و عدم وجود قانون احترام به تمامی ادیان و آیین‌ها که می‌تواند اقلیت و مذهب فرد سرمایه‌گذار خارجی باشد مانع روانی جذب سرمایه‌گذار خارجی که خارج از اصل‌های بالاست می‌تواند باشد.

در اصل ۲۰ همه زن و مرد را در حمایت قانون یکسان تلقی کرده و از همه حقوق با رعایت موازین اسلام برخوردار نموده است و با عنایت به اصل ۶۱ که اعمال قوه قضاییه را طبق موازین اسلامی قرار داده است و حقوق مرد و زن هم برابر موازین اسلام در بعضی مسائل مستحضری که حقوق مرد و زن در اسلام و در مسائل حقوقی یکسان نمی‌باشد که این مسئله در صورت مراجعه سرمایه‌گذار خارجی مخصوصاً اگر مونث باشد به دادگاه‌های داخلی نمود خواهد داشت چرا که موازین اسلامی در تساوی قید گردیده است و خود این مسئله هم می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاران خارجی خانم موثر باشد و کشورهایی که حقوق مساوی مرد و زن را در همه عرصه‌ها و مخصوصاً دادگاه‌های داخلی لحاظ می‌کنند در عرصه جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند بهتر عمل کنند و ملاک برابری را موازین اسلامی قرار دادن و دولت را هم به رعایت حقوق زن در تمام جهات با رعایت حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی ضمانت کردن می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاران خارجی و جذب سرمایه‌گذاران خانم موثر باشد. اما تفاوت‌ها و تعارض‌های حقوق زن در اسلام با سایر کشورهای اسلامی در باب موضوعات مختلف می‌تواند اقدام تأخیری و مانع در جذب سرمایه‌گذاران غیرمسلمان و یا خانم‌ها باشد.

اصل ۲۲ حیثیت جان و مال و حقوق مسکن و شغل اشخاص را مصون از تعرض قرار داده مگر در مواردی که قانون تجویز نماید و این استثنا کردن خود در خیلی موارد مانعی جدی است.

بند ۵ اصل ۴۳ منع معاملات حرام را قید کرده است که صرفاً در کشورهای اسلامی وجود دارد و در سایر کشورها معنا ندارد و همان‌طور که گفته شد به لحاظ اسلامی و شیعی بودن چارچوب اصلی قوانین اساسی این بند متأثر گردیده است و محدودسازی معاملاتی است که در کشورهای غیرمسلمان و سرمایه‌گذاران خارجی رعایت نمی‌شود. بند ۸ اصل ۴۳ هم به جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور که تبیین و تشریح اصل دو که در بالا بدان پرداخته شد و بند ۵ آن اصل می‌باشد.

در اصل ۷۱ به صراحت قید گردیده که مجلس نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد تشخیص این امر به عهده شورای نگهبان است که می‌بینیم این موضوع در تمامی تطبیق‌ها و هم‌راستایی‌های قانون باید مدنظر باشد.

اصل ۸۰، گرفتن و دادن وام‌ها و کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت را منوط به تصویب مجلس یعنی منتخبان کل مردم ایران قرار داده است که خود در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ورود ارز سرمایه می‌تواند عملی تأخیری باشد چرا که اراده کل در مقابل اراده جز قرار می‌گیرد یعنی اراده منتخبان مردم در مجلس در مقابل سرمایه‌گذار خارجی قرار می‌گیرد.

در اصل ۸۲ استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع شده است مگر در موارد ضرورت با تصویب شورای اسلامی که این موضع‌گیری در قبال افراد خارجی در تکمیل موارد گفته شده قبلی و ایجاد سپر دفاعی در مقابل بیگانگان، بیانگر بسته‌بودن فضای داخلی و موضع‌گیری سخت در مقابل غیرایرانی‌ها می‌باشد و به‌صورتی غیرمستقیم می‌تواند بیانگر نگرش عمومی به خارجی‌ان و موضع قانون به آن‌ها و مانع روانی ورود سرمایه‌گذاران و دامن‌زدن بر افکار ناسیونالیستی باشد.

اصل ۱۰۵ مجدد عنوان کرده تصمیمات شوراها در واحدهای تولیدی صنعتی و کارگری و روستایی و کارمندی و آموزشی نباید مخالف موازین اسلامی باشد که همان محوریت اسلام و قانون اساسی را مجدد مطرح می‌نماید.

اصل ۱۲۵ هم امضای عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دول و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی را منوط به تصویب مجلس و سپس رئیس‌جمهور یا نماینده او قرار داده است که در واقع خیلی مواقع سرمایه‌گذاران خارجی در مقابل اراده یک ملت (مجلس و رئیس‌جمهور) قرار می‌گیرند و در اصل ۱۳۹ اگر طرف دعوا خارجی باشد و صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی باشد باید به اطلاع مجلس برسد و تصویب هیئت وزیران را هم نیاز دارد.

اصل ۱۵۲ سیاست خارجی را بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال همه‌جانبه و دفاع از حقوق مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر قرار داده است تفسیر این اصل مهم است و اینکه قدرت‌های سلطه‌گر کدام هستند و در سازمان تجارت جهانی چه جایگاهی دارند و معنای سلطه‌پذیری چیست عامل مهمی در الحاق ایران و هم‌راستایی قوانین ایران و هماهنگی با قوانین بین‌المللی خواهد بود و همچنین اصل ۱۵۳ هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی

فرهنگ و ارتش و دیگر شوون کشور گردد را ممنوع اعلام کرده است که مانعی جدی در ورود سرمایه‌گذار در حوزه‌های کلان می‌باشد. اصل ۱۵۴ حمایت از مبارزه مستضعفین در برابر مستکبرین در واقع به صورت غیرمستقیم امنیت سرمایه‌گذار خارجی را مخدوش می‌نماید امنیت سیاسی و اقتصادی و در واقع گستره حمایت از مستضعفان و تفسیر مستکبران معنای موسعی دارد که شاید در تضاد با منافع سرمایه‌گذاران خارجی باشد.

در اصل ۱۵۶ قوه قضائیه تعزیر مجرمان و اجرای حدود الهی بر اساس قوانین جزایی اسلام را بیان می‌کند که تصورات از این نوع مجازات و ترس از مجازات در کشورهای اسلامی می‌تواند مانع ورود سرمایه‌گذاران به داخل باشد و مانع ورود سرمایه‌گذاران است و اینکه در اصل ۱۶۷ قید شده قاضی حکمی را نیابد از قوانین مدونه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر می‌نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض حکم ندهد. در واقع فرد در مقابل اجتهاد و علم قاضی قرار می‌گیرد که مسلم برای خیلی خارجی‌ها قابل درک نیست و نگران‌کننده می‌تواند باشد.

درخواست ابطال فردی آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولتی مخالف مقررات اسلامی از دیوان عدالت اداری برای سرمایه‌گذاران خارجی محل نگرانی و عدم ثبات در قوانین داخلی سرمایه‌گذاری را ایجاد و متصور می‌نماید چراکه هر لحظه این آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها امکان نقض و بطلان آن‌ها می‌باشد و اگر سرمایه‌گذار روی آن‌ها حسابی باز کرده منوط است به اینکه مطابق اسلام باشد.

برابر اصل ۷۷ در نهایت محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های این‌ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران تغییرناپذیر است و برای بازنگری مقام رهبری بعد مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی به رئیس‌جمهور موارد اصلاح و تدوین قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌نماید و مصوبات بعد تأیید و امضای رهبر باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد.

ضمناً در اصل یک بند ۶ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خداوند از راه‌های مختلف اجتهاد و کتاب و سنت علوم و فنون و تلاش در آن و نفی سلطه‌گری و ستم‌کشی که کرامت و ارزش و آزادی و مسئولیت را در حدود اسلام و جامعه اسلامی تعریف نموده که مسلماً با تعریف کرامت و ارزش انسان و حدود مسئولیت و وظایف او در کشورهای غیرمسلمان و یا در صحنه بین‌المللی متفاوت می‌باشد. این مسئله توجه و تأمل سرمایه‌گذاران را جلب می‌نماید و بعضی سرمایه‌گذاران مسلمان را شاید مشتاق به ورود سرمایه به ایران نماید.

اصل ۱۹ برابری قومی را طرح می‌کند که مردم ایران از هر قوم و قبیله حقوق مساوی دارند رنگ و نژاد و زبان و غیره موجب امتیاز نخواهد گردید که نکته شایسته در ایجاد وحدت و ثبات داخلی می‌باشد و رفع و تقبیح افکار ناسیونالیستی داخلی از ولیکن در اصل ۱۳ تحدید و محدودیت‌ها در اقلیت‌ها می‌تواند در ترغیب ورود سرمایه‌گذاران ممانعت به عمل آورد چرا که القاء‌کننده تمایزات اقلیتی تلقی شده که بحث شد.

اصل ۲۳ تفتیش عقاید ممنوع دانسته و بیان کرده هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده و تعرض مؤاخذه کرد که اصل خوب و عالی است که باید در صحنه عمل اجتماع و صحنه قضایی رعایت شود و در بازتاب جهانی از ایران در رسانه‌های گروهی لازم است ایران بدین‌شکل دیده شود که سرمایه‌گذاران خارجی نگران از عقاید و دیدگاه‌ها و ایدئولوژی خود پول خود را وارد کشور نمایند.

اصل ۲۴ آزادی نشریات و مطبوعات مگر مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی می‌باشند و قانون در مورد آن معین‌کننده است که ایجاد قید و محدودیت است که ایجاد قید و محدودیت را بیان می‌نماید.

اصل ۲۹ برخورداری از تأمین اجتماعی بیمه بیکاری و حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیر را حق همگانی همه مردم و وظیفه دولت قرار داده است که در راستای کرامت انسانی موارد خوبی می‌باشد و توجه به مسائل حقوق شهروندی و کرامت شهروندان نشان از توجه به حقوق بنیادین داشته و در جذب سرمایه‌گذاران خارجی و تأثیر روانی بر فضای فکری خارجیان نسبت به ارج نهادن به حقوق اولیه انسان‌ها در داخل آن کشور و لذا منشعب از این قضیه احترام به حقوق انسانی منظور سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند برداشت گردد. در کل توجه به حقوق بنیادین و کرامت انسان‌ها و حقوق شهروندی

و آزادی آنان و برخورداری از امتیازات مدرن و اولیه و جهانی می‌تواند در جذب خارجی‌ان در مباحث توریزم و سرمایه‌گذاری و... مؤثر باشد. اصل ۳۷ اصل بر برائت و مجرم ندانستن افراد دانسته شده مگر جرم افراد اثبات شود. اصل ۱۷۵ حدود آزادی رسانه‌های عمومی را معین نموده آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور دانسته شده است.

ضمناً در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی دو سند دیده می‌شود. سند اول درباره سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت اقتصاد سند دوم سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است. حال آنکه در هر دو مصوبه هیچ بخشی از تأثیرات ورود سرمایه خارجی با در نظر گرفتن الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت و آثار این عضویت بر سرمایه‌گذاری خارجی از منظر موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری نشده است و به نوعی این‌گونه به ذهن متبادر می‌شود که گویی تصویب‌کنندگان اسناد فوق برداشت درستی از سازمان تجارت جهانی نداشته و آن سازمان را تنها سازمانی تجاری دانسته و امر تجارت را امری منحصر به فرد و بی‌ارتباط با سایر حوزه‌ها به خصوص سرمایه‌گذاری پنداشته‌اند. (حبیب‌زاده و بصیری‌جم، ۹۴، ۱۲) حال آنکه تجارت و سرمایه‌گذاری همان‌طور که بدان پرداخته شد ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند که با عنایت به ضرورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی نیازمند تأمل می‌باشد.

۴. مواضع و موانع حقوقی محیط‌زیستی در قانون اساسی (تفسیر اصل ۵۰)

در این قسمت مواضع قانون اساسی به محیط‌زیست مورد بررسی می‌گیرد چون ابتدایی‌ترین بررسی حقوقی این بررسی در قانون مادر قطعا دیدگاه این قانون به تمامی قوانین داخلی زیست‌محیطی تسری یافته است.

در این بررسی باید بر اصل مترقی ۵۰ قانون اساسی تأمل کرد. اصلی که توسعه زیست‌محیطی را بر توسعه اقتصادی مانند کشورهای توسعه‌یافته ارجحیت مستتر می‌دهد. اصلی که حفاظت محیط‌زیست را به نسل امروز و نسل‌های آینده و عموم واگذار نموده و وظیفه عمومی تلقی نموده یعنی نگاهی خاص و در جهت توسعه پایدار و در بخش دوم آن فعالیت‌های اقتصادی و غیره که باعث آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران محیط‌زیست گردد را ممنوع دانسته است، یعنی هم آلودگی و هم تخریب را مدنظر قرار داده و البته با بردباری به هر آلودگی یا تخریب خارج از حد ظرفیت برد زیست‌بوم اشاره کرده است.

سکوت قانون‌گذار در مورد نحوه اداره محیط‌زیست در این اصل با وجود اهتمام برای سلامت محیط‌زیست و قرارداد رئیس‌جمهور به شکل تفسیری از قوانین قبل ۱۳۵۷ هجری شمسی به جای نخست‌وزیر جهت اداره محیط‌زیست به‌وسیله یکی از معاونان خود از آثار مواضع این اصل در قالب سازمان محیط‌زیست است. البته بایستی سازمان محیط‌زیست نظارت عالیه بر همه دستگاه‌های دولتی داشته باشد که حالت اجرایی این مهم هم قابل تأمل است همانند اولویت‌دهی سیاسی و اقتصادی اجرای طرح‌های اقتصادی بر حفظ محیط‌زیستی که در کارنامه پاره‌ای دولت‌ها موجود است. آیا رفاه و سازندگی بر حفظ محیط‌زیست اولویت بوده است؟ جواب این سوال هم مهم و قابل تأمل است. در این اصل از ظرفیت اخلاق و توصیه عمومی استفاده شده ولی در قسمت دوم از بایدها و نبایدها و مجازات‌ها در اخلاق صحبت شده است و هم‌چنین تعریف درست و شفاف و دقیقی از محیط‌زیست نشده است. این فضا ما را به وضع سند یکپارچه ملی محیط‌زیست و قانون ملی سیاست‌های محیط‌زیستی شامل یکپارچه‌شدن همه قوانین این حوزه و به‌روزرسانی قوانین و آسیب‌شناسی قوانین و جمع‌آوری بازخوردها و کارآمدی همه قوانین محیط‌زیستی با بررسی تهدیدات آینده زیست‌محیطی برای ایران و تهدیدات کنونی محیط‌زیستی با عنایت به وضعیت خاص ایران و مشکلات زیست‌محیطی در عرصه‌های مختلف آن و بازتعریف جرایم محیط‌زیستی و همسویی بیشتر با قوانین بین‌المللی در این راستا. در واقع در این ماده توسعه، فرع بر محیط‌زیست است.

۵. توسعه اقتصادی یا توسعه زیست‌محیطی تهدید یا فرصت

همه کشورها به دنبال توسعه هستند. اما کدام مصادیق توسعه ارجحیت دارد؟ در کشورهای توسعه‌یافته به لحاظ رشد و توسعه اقتصادی بالا، توسعه زیست‌محیطی حائز اهمیت است. برعکس، کشورهای در حال توسعه که توسعه اقتصادی برای ایشان بر توسعه

زیست محیطی ارجحیت دارد، ورود سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه اقتصادی موجب استفاده بیشتر آن‌ها از منابع انرژی و منابع طبیعی می‌شود، پس ارتباط معناداری بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آلودگی محیط‌زیستی به‌وجود می‌آید. آلودگی محیط‌زیستی با رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد. (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۸) "در شرایط جهانی‌شدن وجود مقررات زیست‌محیطی آسان‌تر در کشورهای در حال توسعه تبدیل به یک مزیت نسبی جذاب برای ورود سرمایه خارجی آلودگی‌زا می‌شود. این مباحث منجر به شکل‌گیری فرضیه لنگرگاه آلودگی گردیده است. ولی نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که فرضیه لنگرگاه آلودگی در کشورهای با درآمد متوسط و کشورهایی با درآمد پایین به‌عنوان کشورهایی در حال توسعه تأیید می‌شود و جریان ورودی FDI عامل بروز اختلالات زیست‌محیطی در کشورهای در حال توسعه به‌عنوان کشور میزبان می‌شود. (زندى و پژویان، ۱۳۸۹، ۱) تنها ورود هرچه بیشتر سرمایه، نفع عمومی را تأمین نمی‌سازد بلکه حضور سرمایه با مصرف صحیح و به‌موقع و حفاظت از محیط‌زیست است که منافع ملی و جهانی را تحقق می‌بخشد و در صورت تخریب محیط‌زیست حتی با رضایت کشور سرمایه‌پذیر باید مسئولیت بین‌المللی برای سرمایه‌گذار قائل شد (انصاریان و شیرازیان، ۱۴۰۰، ۱۱۳).

این دیدگاه در واقع تأکید می‌نماید که توسعه اقتصادی بر توسعه محیط‌زیستی مقدم نیست و در این‌جا بسیار متریقی حفظ محیط‌زیستی مقدم بر توسعه اقتصادی لحاظ شده است یعنی در اینجا دیدگاه ارجحیت توسعه پایدار مشاهده می‌شود. پس در واقع اصل متریقی ۵۰ در قانون اساسی یک تهدید جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی نیست، یک فرصت و غنیمت است جهت حرکت به سمت توسعه پایدار. امید است با نهادینه‌کردن اخلاق زیست‌محیطی در سطوح آموزشی مدارس و تنظیم قانون ملی سیاست زیست‌محیطی و سند ملی زیست محیطی به سمت توسعه پایدار بیشتر گام برداشته شود.

نتیجه‌گیری

کشورهای در حال توسعه به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی ناچار به توسعه اقتصادی بیش از توسعه زیست محیطی توجه می‌کنند و با اعمال مزیت‌های نسبی و اغماض از مسائل زیست‌محیطی خود، توسعه اقتصادی را مدنظر قرار می‌دهند. ولی مواضع حقوقی قانون اساسی در موضوع زیست‌محیطی و اصل متریقی ۵۰ در قانون اساسی اولویت زیست‌محیطی و حرکت به سمت توسعه پایدار نسبت به توسعه محیط‌زیستی را جلوه می‌کند که در واقع اولویت توسعه زیست‌محیطی به توسعه اقتصادی را هم ترسیم می‌نماید. پس در واقع اصل متریقی ۵۰ در قانون اساسی یک تهدید جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی نیست، یک فرصت و غنیمت است جهت حرکت به سمت توسعه پایدار. وضع قانون ملی سیاست زیست‌محیطی و نهادینه‌کردن اخلاق زیست‌محیطی می‌تواند گام‌هایی موثر باشد در مسیر توسعه پایدار زیست‌محیطی باشد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود به ایجاد قانون ملی سیاست زیست‌محیطی و یکپارچه‌سازی کلیه اسناد و قوانین در حوزه محیط‌زیست و نهادینه‌کردن اخلاق زیست‌محیطی با آموزش از سطح مدارس و کتاب‌های درسی دوران ابتدایی و سپس پیگیری آن در سایر مقاطع تحصیلی و حتی تحصیلات تکمیلی و همچنین آموزش‌های عرضی و تخصصی در اداره‌های دولتی.

منابع

- ۱- پیران، حسین. (۱۳۸۹) مسائل حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، انتشارات گنج دانش.
- ۲- شیروی، رضا. (۱۳۹۵) حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ نهم، ویراست دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها و تهران، نشر سمت.
- ۳- انصاریان، مجتبی، شیرازیان، شیرین (۱۴۰۰) مسئولیت بین‌المللی سرمایه‌گذاران خارجی در ارتباط با محیط‌زیست، مجله علوم و تکنولوژی محیط‌زیست "مقاله ۱۶ دوره ۲۳، شماره ۱۰ شماره ۱۱۳.
- ۴- پورسید، بهرام. (۱۳۸۵) امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۵- حبیب‌زاده، علی. بصیری‌جم، علی‌رضا (۱۳۹۴) الزامات ناشی از موافقتنامه ضوابط تجاری مرتبط با سرمایه‌گذاری (تریمز) چالشی برای امنیت اقتصادی کشورها، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۹.
- ۶- دارینی، محسن (۱۳۹۰) بررسی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، ماهنامه صنعت و کارآفرینی، شماره ۶۱.
- ۷- زندی، فراز، پژوهیان، جواد (۱۳۹۸) ارتباط بین سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم خارجی و محیط‌زیست (مطالعه موردی کشورهای منتخب، نشریه اقتصاد مالی، دوره ۴ شماره ۱۰.
- ۸- عباسلو، محسن. نژندی‌منش، علی (۱۳۹۲) بررسی بسترهای حقوقی اقتصادی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارائه استراتژی مناسب برای ایران، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی علمی و فرهنگی، کار و جامعه، شماره ۱۶۴.
- ۹- میرزایی، محمد، حزی، حسین (۱۳۹۷) تاثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر آلودگی محیط‌زیست در کشورهای خاورمیانه، مجله اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی، دوره ۳ شماره ۴.
- 10- Mosoti, Victor (2003), "The W.T.O Agreement on Trade Related Investment Measures and the Flow of foreign Direct Investment in Africa : "meeting the development challenge, peace International review Vol.15.
- 11- Vocks: Matthias (1997): "implication of selected WTO Agreements International Monetary Fund".
- 12- Simon laster and Brayan mercurio with arwel davies and Kara leitner, "World Trade Law": text, materials and commently, oxford and Portland, hart publishing, 2008.
- 13- Sornarajah, m. "the international law on foreign investment", 2nd Ed Cambridg, 2004.
- 14- Unctad, (1996)world invwstment report": Investment, trade and international poiey agreement, NewYork and Geneve, Uncted nations.
- 15- Yann Duval, "trade and investment linkages and policy coordination" L: lessons from case studies in Asian Developing Countries session 1.2 trade action. Policy available at <http://www.decd.org>.